

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ناهنجاری های رفتاری کودکان

childrens "challenging" behaviour

تنظیم بصورت E-Book:

www.irpdf.com

درک توقعاتی که از شما بعنوان اولیاء وجود دارد

تربیت کودک برای هر فرد تحت هر شرایطی آسان نیست.

کمبود وقت و توان، امکانات مالی، می تواند باعث شود که در بسیاری مواقع احساس کنید قدری تحت فشار و دلوپس هستید. ولی اگر علاوه برای این مشکلات، فرزندان هم از ناهنجاری های رفتاری رنج ببرند، این وضعیت شما را دشوارتر می کند.

وقتی که چنین وضعیتی پیش آید اساس خانواده تان ممکن است تضعیف شده و آتیه فرزند تان با خطر مواجه شود.

اگر شما در خود اعتماد به نفس کافی بعنوان پدر یا مادر احساس نمی کنید این ممکن است ناشی از چندین علت از جمله برخوردار نبودن از رابطه خوب با اولیاء خودتان در گذشته باشد.

همه اینها می تواند باعث شود که در برخورد با مسائل فرزند تان با دشواری بیشتر مواجه شوید.

ناهنجاری های رفتاری کودکان

فرزند تان حدود رفتار خود را همیشه محک می زند

کودکان در هر سنی حدودی که بر رفتارشان وجود دارد را محک می زنند. با محک زدن این حدود آنها به شما اعتماد می کنند و به حدودی که شما برای رفتارشان قائل می شوید اعتماد می کنند.

با بدخلقی کردن یا با "نه" گفتن و "من این را می خواهم" زیاد، کودکان حدود رفتار خود را محک می زنند. آنها با این کار مقرراتی را که شما تعیین می کنید به چالش می گیرند و نه اقتدار شما را بعنوان ولی خود.

چرا ناهنجاری های رفتاری از فرزند تان سر می زند؟

برخی اوقات کودکان احساسات خود را از طریق رفتارشان ابراز می کنند زیرا این تنها روشی است که آنها می دانند که از طریق آن می توانند آنچه را که احساس می کنند بیان کنند.

حس خشم، سرخوردگی و بلاتکلیفی درباره چیزی، یا احساس گناه و یا شرم، می تواند باعث اشباع احساسات فرزند تان شود و یا به خستگی و ناخوشی فیزیکی آنها منجر شود؛ یا اینکه می تواند به طغیان احساسی یا رفتاری آنها بیانجامد.

تغییرات در رفتار

وقتی که رفتار فرزند تان دشوار می شود، از خود بپرسید:

- چه چیزی اکنون متفاوت است و یا در حال تغییر در زندگی فرزندم است؟
- چه احساساتی ممکن است باعث این رفتار دشوار شده باشند؟

فرزندانتان ممکن است با تغییرات یا دوره های انتقالی در زندگی شان مواجه شوند که برای آنها پراضطراب باشد، بعنوان مثال:

- تغییر مدرسه؛
- از دست دادن دوستی با کسی؛ یا
- تغییراتی که در وضعیت فیزیکی خود آنها با رشدشان رخ می دهد.

تجارب ناراحت کننده دیگر می تواند شامل اینها باشد:

- تغییرات زیاد و همزمان در روال عادی زندگی شان؛
- فقدان عاطفی، بعنوان مثال وقتی یکی از اولیاء یا کسانی که از او مراقبت می کرده است فوت کرده یا او را ترک کرده است؛
- مشکلات مدرسه، بعنوان مثال اذیت شدن، یا دشواری در یادگرفتن و فشار از طرف هم کلاسی ها؛
- آزار فیزیکی، عاطفی و جنسی و یا این نوع آزارها را شاهد بودن؛
- استعمال مواد مخدر و مشروب.

رفتار غیرقابل قبول

"پرخاشگری" چیست؟

اگر رفتاری که متوجه شماست حس پرخاشگری در خود دارد، در آنصورت آن پرخاشگری است.

سن کودک را مد نظر داشته باشید: وقتی که یک کودک دو ساله بطرف شما می دود و جیق می زند این رفتار با وقتی که یک پسر نوجوان به طرف شما می دود و فریاد می زند فرق می کند.

وقتی که این رفتار متوجه شماست و احساس می کنید که بیش از حد است، در آنصورت می توانید بگویید که این رفتار غیرقابل قبول است.

تشخیص اینکه چه رفتاری غیرقابل قبول است

شما می توانید سعی کنید و یک چیزهایی را خودتان تغییر دهید و ممکن است در این رابطه فکر کنید که صحبت با دوستان و خانواده مفید است.

رفتار پرخاشگرانه رایج:

- فحاشی به شما، یا به برادر و خواهر، یا فریاد و جیق زدن؛
- به کسی عنوان زشت دادن و یا او را تحقیر کردن؛
- زور فیزیکی علیه دیگران بکار بردن: بعنوان مثال، هل دادن، تنه زدن، با آرنج به کسی زدن یا به کسی پشت پا دادن؛
- تهدید به استفاده از زور فیزیکی؛
- نادیده گرفتن شما و یا با سکوت به شما برخورد کردن؛
- کسی را نسبت به موضوع حساسی اذیت کردن - یک خصوصیت فیزیکی و یا موضوع خانوادگی؛ یا
- به حرمت خصوصی کسی تعرض کردن - سر زده به اتاق کسی رفتن، دفتر خاطرات خصوصی کسی را خواندن و یا به عمد بیش از حد به کسی نزدیک ایستادن.

هر چند این گونه رفتارها بسیار رایج هستند، ولی اگر احساس کردید که وضعیت برایتان بیش از آنی غیرقابل تحمل شده است که بتوانید از پس آن برآیید در آنصورت باید سعی کنید کمک کسی را جویا شوید.

رفتارهای بیش از حد پرخاشگرانه

رفتارهای بیش از حد پرخاشگرانه رفتارهایی هستند که می توانند به فرزندتان، خود شما و یا افراد دیگر صدمه بزنند.

رفتار بیش از حد پرخاشگرانه شامل اینها می شود:

- صدمه فیزیکی به دیگران زدن، استفاده از توانایی فیزیکی، قد و یا ساخت فیزیکی برای غالب شدن به دیگران و یا آزار دادن آنها؛
- اذیت کردن خواهران و برادران، هم کلاسی ها، و/یا خود شما – منجمله استفاده از شماتت، تهدید و ارباب دیگران برای اینکه از او حساب ببرند؛
- پخش شایعات صدمه زننده درباره دیگران؛
- به عمد یک حیوان زنده کوچک یا حیوان اهلی را کشتن و مُثله کردن؛
- دزدیدن و یا تخریب اموال عمومی؛
- صدمه زدن به خود از طریق زخمی کردن خود، خودآزاری و یا مبادرت به خودکشی؛
- سوء استفاده جنسی از کودک دیگری.

در این شرایط جدی، و یا وقتی که رفتار پرخاشگرانه رایج برایتان بیش از حد غیرقابل تحمل می شود، شما باید سعی کنید در اسرع وقت کمک بیابید نه فقط از طرف دوستان و خانواده تان بلکه همینطور از طرف محیط اجتماعی پیرامون تان.

این را برسمیت بشناسید که مشکلی وجود دارد

برخی مواقع مشکل است که قبول کرد مشکلی وجود دارد. ممکن است وقتی که احساس می کنید رفتار فرزند تان تهدید کننده است و سوسه شوید که آن را انکار کنید به این امید که آن رفتار تمام شود و یا ممکن است امیدوار باشید که با بزرگ شدن فرزند تان این دوره را پشت سر خواهد گذاشت.

برسمیت شناختن اینکه مشکلی وجود دارد، قدم اول برای این است که تصمیم بگیرید دیگر نمی خواهید با آن کنار بیاید.

بیاد داشته باشید که شما آنچه برای فرزند تان خوب است را می خواهید: از اینرو لازم نیست که احساس گناه بکنید. فشار روزانه پدر یا مادر بودن ممکن است باعث تضعیف روحیه شود و جسارت زیادی می خواهد که کسی بتواند از وضعیت موجود فاصله بگیرد و مسائل را بشکل متفاوتی انجام دهد.

اگر شما مورد خشونت خانگی توسط همسر خود بوده اید، ممکن است به شما حس دشواری دست دهد وقتی که فرزند تان نسبت به شما عصبانی می شود و یا با دیگران دعوا می کند.

کمک گرفتن

ایده خوبی است که وقتی احساس می کنید که فشار افکار نگران کننده بیش از حد برایتان زیاد شده است و یا کارهای روزانه و یا سلامتی تان بشکل مضری از آنها متأثر می شوند کمک بخواهید. اگر سایر فرزندان تان هم از مشاهده و یا تجربه این رفتار آزاردهنده رنج می برند در آنصورت این هم علت دیگری است که نشان می دهد باید سراغ کمک بگردید.

موضوع را پیش خودتان نگه ندارید

تقاضای کمک کردن کار آسانی نیست، بویژه برای پدر و مادری که تنهاست. شما ممکن است به سادگی به این عادت تمکین کنید که باید خودکفا و متکی به خود باشید.

ولی به یاد داشته باشید: وقتی تقاضای کمک می کنید شما حدود خودتان را برسمیت می شناسید، و دارید بطور مسئولانه عمل می کنید و نمونه خوبی برای فرزند تان درست می کنید.

چه زمانی وقت آن است که تقاضای کمک کنید؟

اگر پاسخ شما به سؤال های زیر مثبت باشد در آنصورت وقت آن است که حمایت دیگران را برای کمک به اینکه فرزندتان بتواند رفتار پرخاشگرانه اش را کنترل بکند، جویا شوید.

آیا شما فکر می کنید که:

- علیرغم اینکه سعی می کنید مسائل را رفع کنید هیچ تغییری رخ نمی دهد؛
- احساس ضعف و یا بلاتکلیفی نسبت به آنچه باید انجام دهید دارید؛
- از حس گناه رنج می برید نسبت به اینکه نمی توانید آنچه می تواند بهتر باشد را انجام دهید؛
- در انجام وظایف روزانه تان با دشواری مواجه هستید؛
- بطور منظم احساس سرخوردگی دارید؛
- بطور فردی تلاش می کنید زیرا نگران این هستید که بقیه نسبت به شما و فرزندتان چه عکس العملی نشان خواهند داد و یا چه فکر می کنند؟

آیا شما از این می ترسید:

- که فرزند شما ممکن است بخواهد برود و با ولی دیگر خود زندگی کند؛
- که فرزند شما ممکن است تحت مراقبت خدمات اجتماعی قرار گیرد؛
- که امنیت تان در خطر است و یا از رفتن به خانه می ترسید؟
- که رفتار فرزندتان:
- نسبت به خودتان و یا دیگران صدمه زننده و یا توهین آمیز است؛
- باعث دلواپسی شما نسبت به امنیت فرزندان دیگرتان می شود؛
- باعث شده نسبت به امنیت فرزند خودتان دلواپس شوید؛ یا
- حضور او در مدرسه و موفقیت تحصیلی او را مختل کرده است؟

آیا این چیزها دشوارتر شده اند:

- رابطه شما با فرزندتان؛
- کمک شما به فرزندتان در انجام تکالیف مدرسه اش؛
- رابطه فرزند شما با سایر اعضای خانواده، دوستان و همسایه ها؛ یا
- روابط شما با هر کس دیگری در پیرامونتان و لذا سلامتی و شادی خودتان تحت تاثیر قرار گرفته اند؟

آیا نگران این هستید که:

- فرزند شما مشکل خاصی دارد، بعنوان مثال در مدرسه، در رابطه با دوستان اش و یا در رابطه با مواد مخدر و مشروب؟

وقتی که پرخاشگری به خشونت تبدیل می شود

وقتی که شما بعزت پرخاشگری فرزند بزرگتر مجروح شوید و یا دیگر احساس امنیت در خانه تان نکنید در آنصورت مهم است که خشونت متوقف شود. مهم است که سعی کنید از کمک افراد خارج از خانواده برخوردار شوید و به تنهایی نخواهید از پس این مشکلات برآید.

اگر شما هر گونه مسئله حقوقی دارید در آنصورت با وکیل تماس بگیرید. اگر فرزند بزرگتر و یا بالنی بطور منظم علیه شما دست به خشونت می زند در آنصورت باید با پلیس و اداره خدمات اجتماعی (Social Services) تماس بگیرید.

نهادهای اجتماعی محلی به اشکال مختلف کار می کنند:

مدارس

اولیاء را تشویق می کنند که در انجمن خانه و مدرسه شرکت کنند. آنها نقش مهمی در زندگی کودکان دارند و می توانند یکی از منابع اطلاعاتی درباره فعالیت های خارج از مدرسه در منطقه شما باشند.

اگر شما مدرسه را درگیر کنید، معلم فرزند شما می تواند مشکلات فرزندتان را بهتر متوجه شود. شما و مدرسه می توانید همدیگر را در نحوه ای که برای تربیت فرزندتان در کنترل رفتار دشوارش لازم است حمایت کنید.

اداره خدمات اجتماعی

این وظیفه را دارند که به خانواده ها کمک کنند خودشان مشکلات شان را رفع کنند بویژه وقتی که این اولیاء هستند که با آنها تماس می گیرند. اداره خدمات اجتماعی می تواند یک منبع مهم برای اطلاعات و حمایت به شما باشد.

وقتی احساس می کنید که رفتار فرزند شما بیش از حد خارج از کنترل است و شما و سایر اعضای خانواده اتان در نتیجه آن رنج می برید، در آنصورت اداره خدمات اجتماعی ممکن است بتواند به شما کمک کند. آنها ممکن است یک مددکار اجتماعی آشنا به مسائل خانوادگی در اختیار شما قرار دهند یا کسی که بتواند به فرزند شما بطور فردی کمک کند تا بتواند عصبانیت خود را کنترل کند.

در قدم آخر، اگر شما نتوانید در خانه خود با فرزندتان کنار بیایید آنها ممکن است بطور موقت او را به خانه کسی که مراقب او خواهد بود بفرستند.

وقتی که کودکان مورد سوء استفاده قرار می گیرند و یا مورد بی توجهی واقع می شوند در آنصورت اداره خدمات اجتماعی (Social Services) برای حمایت از آنها مداخله می کند.

اداره پلیس محلی تان

ممکن است بتواند به شما اطلاعات درباره امکانات اجتماعی محل تان قرار بدهد بعنوان مثال برنامه همپاری جوانان (youth mentoring programmes) و یا گروه های کاهش جرم در بین جوانان (youth crime reduction groups).

برنامه های تربیت اولیاء

ممکن است به شما ایده هایی درباره کارهایی بدهند که در خانه می توانید انجام بدهید، و یا اغلب می توانند بعنوان یک شبکه حمایتی از دوستان باشند و به شما یاد بدهند چگونه درباره سلامتی و رشد فرزندتان مطلع تر شوید.

کتابخانه، مددکار درمانی (Health Vistor)، اداره خدمات اجتماعی (Services Social) و یا سازمانهای خیریه محلی می توانند درباره مسائل فوق و گروه های اولیاء در محل اطلاعات بدهند.

سعی کنید کنترل شرایط را از دست ندهید

ترجیحا بهتر است که این شما باشید که با این نهادها تماس بگیرید و تقاضای کمک کنید تا بتوانید تا آنجا که ممکن است کنترل امور را در دست داشته باشید.

اگر مدرسه، پلیس، اداره خدمات اجتماعی (Social Services) در مسائل خانوادگی شما بخاطر دخالت کس دیگری مداخله کنند، شما ممکن است احساس کنید که کنترل امور را در دست ندارید.

بعنوان مثال، اگر رفتار فرزند شما متوجه افراد دیگری شود که در خارج از خانه شما زندگی می کنند، مثلاً همسایه تان، او ممکن است برای وضعیتی که پیش آمده دست به اقدام بزند و قبل از شما با یکی از نهادهای فوق تماس بگیرد.

اگر شما بتوانید با این نهادها به ابتکار خود تماس بگیرید، به خودتان یادآوری کنید که با این اقدام تان به خانواده و فرزند تان کمک می کنید و شما وظیفه تان را بعنوان یک پدر یا مادر مسئول انجام داده اید. با چنین اقدامی شما از خانواده و خودتان به نحو مسئولانه ای که درباره آن به دقت فکر کرده اید مراقبت می کنید.

چگونه به کودکان کمک کنیم که رشد کرده و یاد بگیرند

به فرزند خود کمک کنید یاد بگیرد چگونه همکاری کند

به فرزند خود کمک کنید که مسائل را از زاویه دید دیگران ببیند. بعنوان مثال شما ممکن است به او بگویید، "تو فکر می کنی خواهرت در این باره چه احساسی دارد؟"، "تو خودخواهی، هیچوقت به فکر کس دیگری نیستی".

- با دادن اطلاعات ساده کمک کنید، بعنوان مثال بجای اینکه بگویید "چند بار باید به تو بگویم که جیغ نزن؟" سعی کنید بگویید "صدایت بیش از حد بلند است. این گوش مرا اذیت می کند".
- منظور خود را با یک کلمه یا جمله ساده بگویید، بعنوان مثال، "به آرامی!"، بجای گفتن یک جمله بلند که در آن ممکن است منظورتان گم شود.
- درباره آنچه احساس می کنید حرف بزنید. بجای اینکه بگویید، "خودت را از من آویزان نکن!"، بگویید "من دوست ندارم کسی گردنم را بکشد. من دوست دارم کسی من را آرام بغل کند".
- یک یادداشت کوتاه بنویسید، و بعنوان مثال، آن را روی تلویزیون بچسبانید: "قبل از تماشای تلویزیون، آیا همه اسباب بازی هایت را جمع کرده ای؟".

تغییر رفتار پرخاشگرانه

چگونه با کشمکش ها و نگرانی های کودک باید درگیر شد

با نشان دادن نمونه به آنها کمک کنید

اینکه به فرزند خود کمک کنید چگونه با کشمکش ها و دلواپسی های خود طرف شود یکی از مهمترین قابلیت هایی است که به عنوان پدر یا مادر به فرزند خود می توانید منتقل کنید.

با نشان دادن نمونه به آنها کمک کنید، از طریق اعمال خودتان به آنها نشان دهید که چگونه به شکل سازنده می توان با کشمکش های خود طرف شد بدون آنکه به کسی لطمه زد. به آنها نشان بدهید که خوب است در این باره صحبت کرد و اگر لازم به کمک کسی بود آن را طلب کرد.

انضباط

انضباط برای نفع فرزند خودتان است. انضباط او را در مقابل خطرات محافظت می کند و مانع از آن می شود که دست به رفتاری مغایر عُرْف اجتماعی بزند.

خیلی افراد برایشان انضباط با انضباط فیزیکی تداعی می شود، یعنی تنبیه بدنی. ولی شما می توانید فرزندتان را انضباط بدهید بدون آنکه به خشونت متوسل شوید.

خشونت راه حل نیست

خشونت راه حل رفع کشمکش ها، حس سرخوردگی و عصبانیت نیست: افراد دیگر صدمه می بینند.

اگر شما کودک خود را کتک بزنید این کار به آنها این تصور را می دهد که آنها هم می توانند همین کار را نسبت به کسان دیگری انجام بدهند که دوست شان دارند. آنها در معرض تصورات متناقض و سردرگمی در دوره رشدشان به سن بلوغ قرار خواهند گرفت.

بعلاوه، کتک زدن و یا سیلی زدن یک کودک شیطان به او یاد نمی دهد که چه کاری را غلط انجام داده بود. از اینرو این کار باعث نمی شود که رفتار غلط او متوقف شود و یا دیگر تکرار نشود.

تنبیه فیزیکی خطرناک است؛ این کار می تواند به صدمه دائمی منجر شود. در برخی کشورها این کار غیرقانونی است. یک سیلی آرام می تواند به یک تودهنی محکم منجر شود. دست آخر فرزند شما عصبانی و دردمند است و نمی تواند بفهمد که چگونه باید کار درست را انجام دهد.

از همه بدتر، کودکانی که در معرض تنبیه فیزیکی بودند یاد می گیرند که وقتی نسبت به کودکان کوچکتر از خود عصبانی هستند از خشونت استفاده کنند.

با دور کردن فرزندان خود از شرایط خشونت آمیز و یا با مانع شدن از اینکه دست به رفتار خشونت آمیز بزنند، شما دارید به آنها یاد می دهید که استفاده از خشونت درست نیست و با هیچ کس نباید به این نحو برخورد کرد.

ضوابط و پاداش

در هر خانه ای باید ضوابطی وجود داشته باشد تا هر عضو خانواده بتواند براحتی با بقیه زندگی کند. ولی این ضوابط و نحوه ای که خانواده شما عمل می کند با رشد فرزندان تان تغییر می کنند.

شما می توانید با نوشتن ضوابط و نصب شان در جایی در خانه به فرزندان تان یادآوری کنید. همینطور با لیست کردن نوبت آنها برای کارهایی که قرار است در خانه انجام بدهند می توانید وظایف شان را به آنها یادآوری کنید. همینطور شما می توانید یک سیستم پاداش داشته باشید که متناسب با کارهای خوبی که آنها انجام می دهند بر اساس آن به فرزندان تان پاداش دهید تا به بقیه نشان دهید که چگونه رفتار خوب از طرف شما قدردانی می شود.

کودکان جوان و کشمکش های آنها

دریابید که چه چیزی آنها را ناراحت می کند

کودکان جوان ممکن است بگویند که کسی نیست که با او وقتی مشکلی دارند صحبت کنند. در حقیقت ممکن است موضوع این باشد که آنها نمی دانند وقتی مشکلی دارند آن را چگونه بیان کنند.

اگر شما بتوانید درباره کودکانی که در شرایط مشابهی قرار گرفتند با هم کتاب بخوانید در آنصورت می توانید درباره آنچه در داستان رخ داده با هم صحبت کنید - این کار می تواند به شما کمک کند تا دریابید که چه چیزی باعث ناراحتی فرزندان شده است و یا عامل رفتار دشوار اوست.

روش دیگری که کودکان می توانند احساسات خود را بیان کنند از طریق بازی و یا نقاشی های شان است. وقتی شما بتوانید درباره آنچه باعث ناراحتی آنها شده صحبت کنید آنوقت همینطور می توانید درباره رفتار آنها و تاثیری که بر آنها و دیگران داشته هم حرف بزنید.

بجای تنبیه روش دیگری را پیدا کنید

به فرزند خود یاد بدهید چگونه می تواند کمک کند:

- "من مایلیم که وقتی دارم با تلفن صحبت می کنم برو یا با اسباب بازی هایت بازی کن یا نقاشی کن"، بجای اینکه بگویید "کتک می زنم اگر دوباره این کار را بکنی".
- نشان بدهید که رفتار فرزندتان را دوست ندارید و نه اینکه خود او بعنوان یک فرد را:
- "اسم کسی را بدگفتن او را ناراحت می کند"، بجای اینکه "تو همیشه بی تربیت هستی".
- بجای تهدید به او اطلاعات بدهید:
- "بهتر است روی کاغذ بنویسی تا روی دیوار"، بجای اینکه بگویید "تو را می زنم اگر این کار را دوباره بکنی".

دست به اقدام بزنید و مسائل را رفع کنید:

- "اگر عصبانی هستی برو بیرون توپ ات را شوت کن - نه اینکه شیشه پنجره را بشکنی".
- در این باره صریح باشید که چه چیزی را توقع دارید و یا ترجیح می دهید:
- "ما در این خانواده دوست داریم آدم ها همدیگر را نوازش و بوس کنند و نه اینکه همدیگر را بزنند".

به کودک خود نشان بدهید که چگونه می تواند یک وضعیت را بهتر کند:

- "از دوستان خود معذرت بخواه و به آنها بگو که دفعه بعد طور دیگری رفتار خواهی کرد".

به فرزندتان انتخاب بدهید، بعنوان مثال:

- "تو می توانی از زمین بازی دور شوی و تا ده بشماری و یا اینکه بری پیش معلم ات و بگویی چه اتفاقی افتاده".
- به فرزندتان عواقب رفتارش را توضیح بدهید:
- "اگر من را بزنی ناراحت و عصبانی می شوم، ولی اگر با من درباره آنچه احساس می کنی حرف بزنی آنوقت می توانم به تو کمک کنم".

آنچه بجای تنبیه فیزیکی می توانید انجام دهید

اگر شما فکر می کنید که فرزندتان عامدانه شیطنت می کند در آنصورت اینکه از او امتیاز یا حقی را سلب کنید موثرتر از این است که او را تنبیه فیزیکی بکنید.

اگر رفتار بد فرزندتان غیرقابل کنترل به نظر می رسد، در آنصورت ممکن است مناسب باشد که او را از گروه و یا فعالیتی که باعث اختلال در رفتارش شده است جدا کرد و برای مدتی او را به حال خود گذاشت تا آرام بگیرد.

برای شرایط دشوار آماده باشید

کودکان خردسال خوشحال ترند وقتی که سر وقت غذا می خورند و یا می خوابند و یا می توانند بازی های پر سرو صدا انجام بدهند. این دسته از کودکان اگر این نظم زندگی شان به هم بخورد و یا اگر شما آن زمان که باید به آنها برسید مشغول رسیدگی به کس دیگری مانند یک فرد بزرگسال و یا فرزند دیگری بشوید، وضعیت برایشان دشوار می شود.

آنها را برای این تغییرات در روال زندگی شان آماده کنید و یا آنها را نسبت به وضعیت جدید راهنمایی کرده و حمایت کنید. با از قبل گفتن اینکه در طول روز و یا طی چند ساعت آتی چه چیزی ممکن است رخ دهد به آنها فرصت بدهید که خودشان را نسبت به وضعیت جدید آماده کنند. ممکن است دریابید که تکرار چند باره این موضوع برای کودک تان مفید است.

کودکان بزرگتر و نوجوانان و کشمکش های آنها

محکم و منصف باشید

وقتی که با وضعیتی مواجه هستید که رفتار بد بطور منظم رخ می دهد و ضوابطی که تعیین کردید نقض می شوند در آنصورت سعی کنید که هم محکم و هم منصف باشید.

در وهله اول، به خودتان فرصت بدهید فکر کنید که آیا موضوع به اندازه کافی مهم است و واقعا لازم است شما درباره آن کاری بکنید. رفتار فکر شده شما نمونه ای خواهد شد برای فرزندتان که یاد بگیرد چگونه باید در شرایط دشوار رفتار کرده و خودشان را کنترل کنند.

اگر شما نگران یک عکس العمل خشونت آمیز هستید

اگر شما تصمیم گرفتید که با فرزند بزرگتر و یا نوجوان تان درباره موضوعی برخورد کنید و نگران این هستید که عکس العمل او ممکن است خشونت آمیز باشد در آنصورت این روال را دنبال کنید:

- اول، به خودتان فرصت بدهید که آرام بگیرید و درباره آنچه می خواهید انجام داده و یا بگویید فکر کنید؛
- بعد به فرزندتان بگویید که می خواهید با او درباره موضوعی صحبت کنید؛ و
- یک وقتی را برای این موضوع تعیین کنید، شاید صبح روز بعد.

اگر خود شما بتوانید درباره موضوع به آرامی صحبت کنید، فرزندتان هم ممکن است با عکس العمل کمتر خشن تری با شما برخورد کند. این وضعیت باعث خواهد شد که شما از گفتن چیزی اجتناب کنید که در اوج عصبانیت ممکن است بگویید و بعدا از گفتن آن پشیمان شوید.

وقتی فرصت آن رسید به فرزند خود بگویید که شما درباره آنچه او انجام داده چه احساسی دارید و بعد به او هم فرصت بدهید که درباره احساس اش به شما توضیح بدهد.

بعد از آن چه اتفاقی می افتد

به فرزندتان درباره روش هایی که می تواند، با کمک شما، سعی کند رفتاراش را بهتر کند صحبت کنید تا او بداند چه رفتاری از نظر شما و سایر کسانی که پیرامون او هستند قابل قبول خواهد شد.

شما ممکن است دریابید که می توانید با فرزندتان به یک توافق برسید که هر چند حالت ایده آل نیست ولی می توانید با آن کنار بیایید و از نظر فرزندتان هم قابل قبول باشد.

با فرزندتان درباره این هم صحبت کنید که اگر نتوانید با هم به توافق برسید و یا اگر آنچه توافق شده نقض شود چه عواقبی برای او خواهد داشت.

وقتی که باید پیامدی وجود داشته باشد

اگر تصمیم گرفتید که فرزندتان را تنبیه کنید در آنصورت آن را بیش از حد سخت نکنید. آن را متناسب با رفتار تعیین کنید.

شما ممکن است تصمیم بگیرید که فرزندتان باید در خانه بماند و یا امتیاز و حقی از او باید سلب شود.

کتک زدن و داد زدن سر فرزندتان به احتمال زیاد غیر موثر است. اگر شما نشان دهید که این روشی است که بزرگسالان با عصبانیت و سرخوردگی خود برخورد می کنند در آنصورت فرزند شما ممکن است فکر کند که این قابل قبول است که او هم با پرخاشگری نسبت به شرایطی که او را ناراحت می کنند عمل کند.

فرزند شما ممکن است بیش از آنچه شما فکر می کنید ترسیده باشد وقتی که شما عصبانی هستید و یا از صحبت کردن با او خودداری می کنید.

اگر این کار موثر واقع نشود

اگر شما احساس می کنید که با این اقدامات به جایی نمی رسید در آنصورت باید سعی کنید جویای کمک شوید.

اگر فرزندان تان در شرایط خشونت آمیز بزرگ شده اند

اگر فرزندان تان شاهد خشونت در خانه بودند یا آن را تجربه کردند، این وضعیت به این معنا نیست که آنها بطور اجتناب ناپذیری خودشان پرخاشگرانه رفتار خواهند کرد و یا وقتی بزرگ شوند افرادی خشن خواهند شد.

برخی از آنها ممکن است خشونت آمیز برخورد کنند، حال آنکه برخی دیگر ممکن است عامدانه هر گونه رفتار خشونت آمیزی را رد کنند، و برخی دیگر ممکن است در ابراز رفتارشان بیش از حد در خود فرو بروند.

"لوده بازی" و یا رفتار دشوار داشتن در این شرایط اتفاقاً یک عکس العمل طبیعی در مقابل وضعیت غیرعادی و خطرناک است.

برای حفظ احترام بنفوس شان به آنها کمک کنید

فرصت هایی را پیدا کنید که از طریق آن بتوانید به فرزندان تصویر جدیدی از آنچه شخصیت او باید باشد، بدهید:

"وقتی که از آن دیوار بالا رفتی، کار شجاعانه و حساب شده ای بود."

- فرزندان را در وضعیت جدیدی قرار دهید وقتی که او خودش را متفاوت از آن می بیند:
- "واقعا ممنون می شوم اگر به من کمک کنی که خرید خانه را سرچایش بگذاریم."
- اجازه بدهید که فرزندان وقتی که با افتخار درباره او صحبت می کنید آن را بشنود:
- "او واقعا به بچه های دیگر کمک می کند تا جمع کردن را یاد بگیرند."
- هیچوقت فرزندان را با کسی که بقیه را اذیت می کند مقایسه نکنید فقط به خود رفتار بد بچسبید:
- "هیچکدام از ما دوست نداریم کسی را بزنیم. ما درباره احساسات مان با هم صحبت می کنیم و سعی می کنیم مشکلات را رفع کنیم."
- خصوصیات خوب آنها و آنچه درباره آنها دوست دارید را برجسته کنید:
- درباره گذشته و حال با آنها صحبت کنید.

خاطرات و لحظات ویژه را برای بازگو کردن آنها بیاد داشته باشید:

- "من یادم می آید که دیروز ..."

گذشته را از حال و آینده جدا کنید

- "وقتی که ما آنجا زندگی می کردیم آن اتفاق افتاد و به همین دلیل هم چون آن را دوست نداشتیم آنجا را ترک کردیم. آنچه که حالا می کنیم این است که به یکدیگر کمک کنیم. اگر برایمان متکا بیاوری می توانیم با هم کتاب بخوانیم."

منتظر فرصت بگردید برای اینکه بتوانید از این ایده ها استفاده کنید. بهترین مکالمه وقتی رخ می دهد که دارید کار دیگری را انجام می دهید – مثل وقتی که دارید لباس ها را می شورید، یا ظرف ها را خشک می کنید، یا در ماشین نشسته اید و یا دارید ورزش می کنید.

با فرزندان تان درباره آنچه که خودتان احساس می کنید و همینطور احساسی که درباره آنچه رخ داده دارید صادق باشید.

اقداماتی که برای کمک به فرزندان تان می توانید انجام دهید

درباره آنچه در خانه رخ داده فکر کنید

درباره علت رفتار دشوار فرزندتان فکر کنید.

درباره این فکر کنید که چرا فرزندان تان ممکن است رفتار بد داشته باشند.

آنها ممکن است به سادگی خسته، گرسنه، بی حوصله و یا حتی بیش از حد تحریک شده باشند و اینها همه احتمالاتی است که شما می توانید در قبال آنها کاری بکنید.

آیا الان چیزی باعث ناراحتی فرزندتان شده است که شاید او دلواپس این است که به شما بگوید؟

به وقتی که مشکلات شروع شد فکر کنید

وقتی که وضعیت شروع به خراب شدن کرد:

- آیا چیزی ممکن است رخ داده باشد که باعث ناراحتی فرزندتان شده هر چند که آن در گذشته اتفاق افتاده؟
- آیا شما اهمیت چیزی را کم گرفتید به این امید که به زودی فراموش می شود؟
- آیا چیزی وجود داشته که صحبت درباره آن دشوار بوده و شما با نادیده گرفتن احساسات خودتان باعث شدید که فرزندان تان فرصت این را نداشته باشند که با شما درباره نگرانی خود در آن باره صحبت کنند؟

احساسات در خود نگه داشته شده شما

شما ممکن است از این قابلیت برخوردار شدید که بتوانید احساسات تان را در خود نگه دارید و شاید ناآگاهانه توقع دارید که فرزندان تان هم همین کار را بکنند.

احساسات در خود نگه داشته شده کودکان ممکن است بصورت خشم، پرخاشگری، و یا رفتار خودخواهانه بیرون بزنند. اتفاقی در گذشته ممکن است باعث ناخشنودی درازمدت آنها شده و اینکه شما در باره آن با آنها صحبت نکردید به آنها احساس عصبانیت و رنجش داده باشد.

درباره آنچه اتفاق افتاده صحبت کنید

اگر شما بتوانید براحته درباره آنچه رخ داده صحبت کنید این به فرزندان تان این فرصت را می دهد که درباره آن از شما سؤال بکنند و بدین ترتیب احساس نگرانی کمتر و امنیت بیشتر بکنند.

درباره مسائل کوچک بیشتر صحبت کنید زیرا این باعث می شود که بتوانید وقتی مسائل مهم پیش می آید راحت تر درباره آنها هم صحبت کنید.

اجازه بدهید که فرزندان تان بفهمند که شما چه احساسی دارید. به آنها بگویید که چه چیزی برایتان خوب پیش رفته و از چه چیزی لذت بردید و همینطور با چه چیزهایی مشکل دارید.

به مرور زمان شما و فرزندان تان خواهید توانست هم درباره مسائلی که اخیرا رخ داده وهم آنچه در گذشته اتفاق افتاده است صحبت کنید. آنها متوجه خواهند شد که نه شما و نه آنها ضرورتا مقصر هستند.

شرایط را پیش بینی کنید

وقتی که قرار است تغییراتی در زندگی فرزندان رخ دهد خوب است که از قبل بتوانید مسائل و کشمکش های ناشی از آن تغییرات را پیش بینی کنید. در این باره فکر کنید که چگونه با آنها برخورد خواهید کرد و چگونه به فرزندان تان کمک خواهید کرد که با آنها کنار بیایند.

شرایطی که می توانند به تشویش و ناخشنودی منجر شوند

برخی شرایط که می توانند موجب تشویش و ناخشنودی برای فرزندان تان شده و رفتار دشوار در آنها را باعث شوند از این قرارند:

- جدایی و یا طلاق از همسر تان؛
- یک نوزاد جدید و یا خواهران و برادران مسن تر جدید؛
- شروع رفتن به مدرسه یا تغییر مدرسه؛
- اگر که شما یک بیماری یا معلولیت مزمن دارید؛
- خشونت در خانواده؛
- مرگ کسی در خانواده؛ یا
- جابجایی به یک منطقه جدید.

دنیای آنها ممکن است زیر و رو شود. آنها ممکن است احساس کنند طرد شدند. حس عدم امنیت ممکن است باعث تغییر رفتار آنها شود - در فرزندان کوچک به شکل شیطنت و در نوجوانان به شکل خشم و پرخاشگری.

جدایی ممکن است برای کودکان عواقب دیگری هم داشته باشد: از دست دادن محلی که در آن زندگی می کردند، روال زندگی که به آن عادت کرده بودند، دوستان قدیمی، خویشاوندان و حتی حیوانات اهلی. آنها ممکن است مجبور باشند مدرسه خود را عوض کنند و دوستان جدیدی پیدا کنند.

سعی کنید که تشویش آنها را کم کنید

وقتی که شما درباره تغییر در زندگی آنها صحبت می کنید، به آنها یادآوری کنید که کماکان دوست شان دارید. کماکان سعی کنید نسبت به آنها و احساسات شان حساسیت و توجه داشته باشید.

بعد از جدایی به آنها اطمینان خاطر بدهید که از آنها کماکان مثل گذشته مراقبت خواهد شد و رابطه شان را با همسر سابق تان از دست نخواهند داد، حتی اگر رابطه خودتان با او دشوار بوده است. درباره نیازها و احساسات فرزندان تان با همسر سابق تان اگر ممکن است صحبت کنید.

برای کمک به ایجاد حس امنیت در فرزندان تان سعی کنید به فعالیت های عادی و روال زندگی قبلی تا آنجا که ممکن است ادامه دهید.

به آنها توضیح دهید که چه چیزهایی رخ داده است. به نظر فرزندان مسن تر تان گوش کنید ولی به یاد داشته باشید که تصمیمات اساسی مانند زمان دیدار از فرزندان و محل اقامت آنها نهایتا به عهده بزرگسالان است.

از خودتان مراقبت کنید

بسیار مهم است که از خودتان مراقبت کنید. اگر شما خودتان احساس سلامتی و حمایت بکنید بهتر خواهید توانست به فرزندان تان کمک کنید.

دیگران را در تجارب خودتان شریک کنید

منتظر یک وضعیت بحرانی نشوید. وقتی موضوعی پیش می آید در همان آغاز درباره آن صحبت کنید و بحرانی که ممکن است رخ دهد احتمالا اتفاق نخواهد افتاد.

سعی کنید به گروه های اولیاء در منطقه محلی تان پیوندید و یا کتاب های مناسب درباره آنچه بعنوان اولیاء باید انجام دهید بخوانید. همینطور می توانید خبرنگارها و سایت های اینترنتی مفید پیدا کنید و یا با خط تلفنی مشاوره به اولیاء تماس بگیرید.

سعی کنید دریابید که در منطقه شما چه گروه های حمایتی برای خانواده هایی که پدر یا مادر تنها دارند وجود دارند: ممکن است در این گروه ها فرد متخصصی وجود داشته باشد که بتواند به شما درباره مسائل مشخص کمک کند؛ در سایر گروه ها ممکن است روابط غیر رسمی تری وجود داشته باشد. این گروه ها ممکن است حول و حوش مدرسه، زمین بازی کودکان، مراکز تجمع جمعی، کلیساها، مساجد، معابد و کنیسه ها شکل گرفته باشند.

کتابخانه محلی یا مرکز مشاوره شهروندان محل شما ممکن است اطلاعات بیشتری درباره این گروه ها داشته باشند. درباره اینکه چه چیزی برای شما بهتر است با این گروه ها صحبت کنید و از آنها بپرسید. شما می توانید گروه غیررسمی حمایتی خودتان را با دعوت از کسانی که حول و حوش خانه تان زندگی می کنند تشکیل بدهید و با آنها درباره مشکلاتی که اولیاء درگیر هستند و ایده هایی که وجود دارد گفتگو کنید.

برنامه بریزید و سازمان بدهید

شما می توانید با این اقدامات زندگی را برای خودتان کم در دستر تر کنید:

- برای فرزندان تان یک نظم منظم روزانه و وقت خواب منظم تعیین کنید: نظم برای کودکان خوب است زیرا شرایط قابل پیش بینی به آنها حس امنیت بیشتری می دهد و برای شما هم خوب است زیرا می دانید که وقت کمی هم در طول روز برای خودتان وجود دارد؛
- لیست کارها و اولویت انجام آنها را تعیین کنید؛
- درباره اینکه چگونه می توانید بخش پردر دستر تر روز را با دشواری کمتری انجام دهید فکر کرده و از قبل نقشه بریزید.

آیا خود شما دوره کودکی سختی داشتید؟

اگر شما در کودکی مورد سوء استفاده قرار گرفتید، چه اینکه مورد بی توجهی واقع شدید یا چه اینکه از نظر عاطفی، فیزیکی و جنسی مورد سوء استفاده قرار گرفتید، ممکن است هیچوقت در آن زمان برایتان فرصتی پیش نیامده باشد که درباره آنچه احساس کردید فکر کرده و یا با کسی حرف بزنید. و بعد از آن زمان هم ممکن است هنوز چنین فرصتی برایتان پیش نیامده باشد.

اگر شما جلوی ابراز احساسات تان را در گذشته گرفتید، این ممکن است فهم و برخورد با حس عصبانیت و سرخوردگی فرزندان تان را برایتان سخت تر کند.

اگر شما با کسی صحبت کنید که متخصص کمک به کسانی است که این گونه تجارب را در زندگی خود داشتند، در آنصورت ممکن است این کار باعث شود که هم بهتر خودتان را درک کنید و هم بتوانید دشواری هایی که فرزندان تان از سر می گذرانند را بهتر درک کنید.

وقتی برای خودتان باید کنار بگذارید

شما ممکن است بعنوان یک پدر یا مادر تنها احساس انزوا و تنهایی بکنید و اگر کودکی داشته باشید که از مشکلات رفتاری رنج می برد این حس ممکن است برای شما تشدید هم بشود.

به خودتان قدری وقت بدهید که درباره آنچه انجام می دهید بتوانید فکر کنید. سعی کنید هر روز نیم ساعت - و اگر ممکن است حتی بیشتر - برای انجام کاری که از آن لذت می برید وقت بگذارید.

فکر کنید چگونه می توانید گهگاه بعدازظهرها یک سری بیرون بروید. اگر فرزندان کوچک دارید ببینید که آیا می توانید آنها را خانه دوستی بگذارید که بخوابند؟

حیاتی است که بتوانید برای خودتان وقتی کنار بگذارید چه برای اینکه بتوانید توان خودتان را بدست آورید و چه اینکه کاری که مهم است را انجام دهید.

به محدودیت های خود واقف باشید و بدانید چه زمانی باید از بیرون کمک بگیرید

وقتی که سرتان بیش از حد شلوغ است و نمی دانید که چگونه از پس کارها برآیید، یا وقتی که متوجه می شوید که دارید حس سرخوردگی تان را سر فرزندان تان خالی می کنید، انوقت زمانی است که باید از بیرون کمک بگیرید.

به هر کدام از خط های تلفنی مشاوره برای اولیاء بدون دادن اسم تان تماس بگیرید، یا اینکه از دوست و عضو خانواده ای که به او اعتماد دارید بخواهید به شما ایده بدهد.

دکتر خانوادگی تان می تواند فرد خوبی برای صحبت کردن باشد. آنها همینطور می توانند شما را به متخصصین امور خانوادگی معرفی کنند.

لیست همه شماره تلفن هایی که ممکن است موقع اضطراری برای تماس به آنها احتیاج داشته باشید را تهیه کنید. در این لیست دوستان، مدرسه، دکترتان و گروه حمایتی را منظور کنید و این لیست را جایی نصب کنید که بتوانید سرعت به آن دسترسی داشته باشید.

حقوق و مسئولیت کودکان

حقوق قانونی کودکان به تدریج و همزمان با رشدشان بدست می آید.

به آنها یادآوری کنید که حقوق همواره با مسئولیت می آید و به آنها کمک کنید که برای حقوقی جدیدی که بدست می آورند آماده شوند.

برخی از حقوقی که متناسب با سن کودکان در بریتانیا وجود دارد

آنها می توانند از:

- سن ۱۰ سالگی - برای یک جرم جنایی محکوم شوند اگر که به جرمی که مرتکب شدند آگاه بوده باشند؛
- سن ۱۲ سالگی - یک حیوان اهلی بخرند؛
- سن ۱۳ سالگی - برای پخش روزنامه و یا کار نیم وقت استخدام شوند؛
- سن ۱۴ سالگی - داخل پاب بروند ولی نمی توانند در آنجا مشروب بخرند؛
- سن ۱۶ سالگی - مدرسه را ترک کرده و کار تمام وقت بگیرند، سیگار و وسایل آتش بازی بخرند، وارد رابطه جنسی با کسی شوند و با رضایت اولیاء خانه را ترک کنند؛
- سن ۱۷ سالگی - تصدیق رانندگی داشته باشند؛
- سن ۱۸ سالگی - قانوناً یک فرد بزرگسال باشند و بیشتر کارهایی را انجام دهند که بزرگسالان می توانند انجام دهند.

کودکان همزمان با رشدشان وضعیت شان را تجدید نظر می کنند

نوجوانان مایل هستند که استقلال و خوداتکایی بیشترشان را نشان دهند. در این حالت زمان آن رسیده که آنچه حالا برای شما رفتار قابل قبول است، تجدید نظر شود. به فرزندان تان انتخاب های واقع بینانه بدهید تا بتوانند حس مسئولیت و درگیری شان را بسازند.

نوجوانان به وقت شما برای صحبت کردن احتیاج دارند و ممکن است این توقع را در شرایطی که مناسب نیست طلب کنند. به همان شکل، ممکن است شما بخواهید با آنها در زمانی صحبت کنید که آنها به تنهایی شان احتیاج دارند و یا می خواهند به حال خودشان گذاشته شوند. هر وقت لازم است سعی کنید وقتی را برای صحبت کردن تعیین کنید که متقابلاً برایتان مناسب است.

اگر فرزندان چندان به نظر نرسد که بخواهد صحبت کند:

- به آنها بفهمانید که به آنها و به کاری که می کنند علاقه دارید، ولی فقط سؤال نکنید؛
- به آنچه آنها می گویند گوش کنید و سعی کنید آنچه را می گویند و یا احساس می کنند درک کنید؛
- نسبت به آنچه آنها می گویند، بویژه درباره احساسات شان، واکنش نشان دهید تا به آنها نشان دهید که نسبت به مسائل شان حساس هستید و می خواهید وضعیت آنها را درک کنید؛
- هر اتفاقی هم بیفتد، دفتر خاطرات شخصی آنها را نخوانید - شما ممکن است ندانید درباره چیزی که خواندید چگونه صحبت کنید.

ایمنی کودکان وقتی که در خارج از خانه هستند

شما باید قضاوت کنید که چه زمانی فرزندان شما می توانند خارج از خانه به تنهایی بازی کنند، یا به مغازه های اطراف بروند، و یا بطرف مدرسه و یا کلوب تفریحی بعد از مدرسه بروند. بعضی معتقدند که کودکان زیر سن نه سالگی در هیچ شرایطی نباید به تنهایی جایی بروند.

شما می توانید به فرزندان تان با تعیین ضوابط مورد توافق کمک کنید. بعنوان مثال، آنها نمی توانند از دوستان شان جدا شوند و به تنهایی پرسه بزنند، یا آنها باید وقتی که به خانه دوستان شان می رسند و یا وقتی که دارند به خانه برمی گردند به شما تلفن بزنند (ممکن است به احتمال زیاد یک راست بیایند خانه چون احساس می کنند در آنجا همیشه در مراقبت هستند).

وضعیت قضایی جوانان

کودکان عواقب جرم را می فهمند.

افراد جوان همزمان با رشدشان ممکن است برای درک حقوق و مسئولیت های شان به کمک احتیاج داشته باشند.

حقوقی که متناسب با سن شان به آنها تعلق می گیرد کاملاً بروشنی عنوان می شوند ولی موضوع مسئولیت آنها در قبال جرمی که اتفاق افتاده ممکن است به آن روشنی برایشان معلوم نباشد.

از سن ده سالگی، کودکان از نظر قانون به آن اندازه بالغ محسوب می شوند که بتوانند عواقب یک جرم را بفهمند و در قبال ارتکاب آن مسئول شناخته شوند.

ولی، از نظر قانون آنها بعنوان کودک محسوب می شوند که باید از آنها در مقابل سوء استفاده جنسی و استثمار در محل کار حمایت شود.

اگر شما فکر می کنید این خطر وجود دارد که رفتار خشونت آمیز و توهین آمیز فرزندان در خارج از خانه هم رخ دهد در آنصورت می توانید به او کمک کنید تا متوجه شود که مسئولیت او و عواقب احتمالی رفتار محل نظم عمومی اش چه هستند.

احکامی که دادگاه می تواند صادر کند

وقتی که افراد جوان مسئول جرم و یا رفتار مُخل نظم عمومی می شوند، احکام متفاوتی وجود دارد که دادگاه می تواند علیه آنها صادر کند:

حکم دادگاه علیه رفتار مُخل نظم عمومی (Anti-social behaviour orders)

پلیس و شهرداری محل می تواند چنین حکمی را اعمال کند و بر حرکت و فعالیت یک کودک ده ساله و یا بزرگتر محدودیت بگذارند.

حکم مربوط به امنیت کودک (Orders Child Safety)

شهرداری محل می تواند چنین حکمی را برای جلوگیری از درگیر شدن یک کودک زیر ده سال در فعالیت های جنایی و یا مُخل نظم عمومی از دادگاه طلب کند.

محدودیت بر رفت و آمد کودک (Curfew Child)

شهرداری محل می تواند این حکم را برای منع کودکان زیر ۱۵ سال از رفتن به مناطق معینی طلب کند.

حکم مربوط به اولیاء (Orders Parenting)

چنین حکمی شما را ملزم می کند که در جلسات ویژه ای شرکت کنید که برای اولیایی که فرزندان آنها مرتکب جرم شده اند برگزار می شوند. این حکم همینطور مشمول اولیایی می شود که نتوانستند تضمین کنند که فرزندانشان بطور منظم به مدرسه بروند.

اخطار نهایی (Final Warning)

به این منجر می شود که یک کودک به گروه ویژه ای که مسئولیت ارزیابی وضعیت کودکانی که مرتکب جرم می شوند معرفی شود تا آنها بتوانند بررسی بکنند چه اقداماتی برای اینکه او دوباره مرتکب جرم نشود لازم است.

غرامت (Reparation)

به این معناست که فرد جوانی که مرتکب جرمی شده است باید برای قربانی آن جرم یا برای جامعه کاری را بعنوان تاوان آن جرم انجام دهد.

کمک بیشتر

پیوستن به یک گروه اولیاء، خواندن کتاب یا تماشای ویدئویی که درباره اولیاء است و یا حتی رفتن به کلاس های آموزشی که درباره اولیاء است می توانند به شما در کسب اعتماد به نفس در انجام بخشی یا همه فعالیت هایی که برای فائق آمدن بر شرایط دشوار لازم است کمک کنند.

اگر بتوانید یک پدر و مادر با اعتماد به نفس شوید این به شما واقعا کمک خواهد کرد تا بتوانید درباره بخشی از ایده هایی که در این جزوه آمده است فکر کرده و آنها را بکار بندید.